

انگار راهکار و قاعده ای وجود نداشت. قواعد را باید می‌ساختم یا می‌یافتم؟ هیچ‌کس جوابی نداشت. پای کاغذ پوستی 'نشسته بودم و هم‌نوا با "گل صدبرگ" شهرام ناظری، فریاد می‌زدم:

چه دانستم که این سودا مرا این سان کند مجنون
 دلم را دوزخی سازد دو چشمم را کند جیحون
 چه دانم های بسیار است لیکن من نمی‌دانم
 که خوردم از دهان‌بندی در آن دریا کفی افیون
 (مولوی)

استاد ترکیب ۲ به‌گونه‌ای با سؤالهایم برخورد می‌کرد که مسأله حل نمی‌شد، بلکه گسترش پیدا می‌کرد و انشعاب‌های بیشتری می‌یافت. کم‌کم متوجه شدم که دارم با زخم شیرین سؤال‌های بی‌پایانم انس می‌گیرم. این غزل را مثل یک گزارش صادقانه نوشتم:

با یک اشاره، دست مرا بال می‌کنی	در عمق خواب خاطره، جنجال می‌کنی
تا جاده های امن یقین می‌بری مرا	تردید را شکسته، لگدمال می‌کنی
گودال می‌کنی وسط کوچه های ابر	روح مرا میانه‌ی آن، چال می‌کنی
با دست‌های فکرم مرا چنگ می‌زنی	قابی عجیب بر تن تمثال می‌کنی
این چشم خواب‌خواه خطرترس خسته را	خوش‌خوش، اسیر آن خط و آن خال می‌کنی
فریاد می‌زنم که: به من پس بده مرا	لبخند می‌زنی و مرا لال می‌کنی

(نگارنده)

با سعی و خطا و به مرور زمان فهمیدم که ظاهراً قواعد را باید خرد خرد، از بطن کرکسیون‌ها بیرون بکشم، اگر باشند.

کرکسیون! اوایل از این کلمه ی با کلاس فرانسوی، چیزی نمی‌فهمیدم. گمان می‌کردم جمع آوری آلبوم کارها را کلکسیون می‌گویند و لابد گوش من اشتباه می‌کند! کم‌کم فهمیدم منظور چیست و دریافتم که چیز خوبی است.

^۱ کاغذی شفاف و نازک که برای ترسیم‌های اولیه طراحی معماری کاغذ مناسبی بشمار می‌رود.

^۲ Correction: تصحیح. اصطلاحی که در ادبیات آموزش معماری برای ارائه کار به استاد جهت اصلاح و کمک به کار می‌رود. در دانشکده‌های معماری گویش فرانسوی این لغت متداول است.